

**Received:** 2024/7/13

**Accepted:** 2024/10/1

from 63 to 85

**Mohammad Etratdoost**

Associate Professor in Department of Theology and Islamic Studies, Shahid Rajaei Teacher Training University, Tehran, Iran.  
(Responsible author)  
Etratdoost@stru.ac.ir

**Sharareh Noshinrad**

Lecturer in the Department of Quranic Sciences, Islamic Azad University, Tehran, Iran.  
noshinrad@gmail.com

**Keywords:**

Imam al-Sajjad (PBUH), Sahifa al-Sajjadiyah, family, children's relationship with their parents, categorical content analysis method.

## **Categorical Content Analysis of the Relationships of Children with Parents from the Perspective of Imam Sajjad (PBUH)**

### **Abstract**

Awareness of the proper relationships of children with parents plays an effective role in the growth and elevation of humans and strengthening the foundation of the family. Although psychologists and sociologists have expressed various opinions in this regard, it is of great importance to examine the sayings and works of the infallibles, which are one of the most important written sources of Islam after the Holy Quran. Sahifa Sajjadiyah is one of these valuable works that contains the supplications of the fourth Imam of Shiites and useful and efficient points for improving the lives of Muslims are presented in its supplications. In this study, an attempt has been made to extract the main issues raised in relation to the relationship between children and parents by using the method of "categorical content analysis" and, finally, to extract the solutions proposed from the perspective of Imam Sajjad (PBUH) in this regard. The results of the study show that from the perspective of the teachings in the supplications of Sahifa al-Sajjadiyah, the most important strategies for improving children's relationships with their parents are: praying for success in serving their parents, children's kindness to their parents, children's gratitude and appreciation for their parents, children's humility towards their parents, and acting on what they know to serve their parents.

## تحلیل محتوای مقوله‌ای چگونگی روابط فرزندان با والدین از دیدگاه امام سجاده<sup>(ع)</sup>

### چکیده

آگاهی از چگونگی روابط صحیح فرزندان با والدین نقش مؤثری در رشد و تعالی انسان‌ها و تقویت بنیان خانواده دارد. در این باره روان‌شناسان و جامعه‌شناسان مطالب مختلفی بیان نموده‌اند؛ اما بررسی اقوال و آثار معصومان که پس از قرآن کریم از مهم‌ترین منابع مکتوب دین اسلام است، اهمیت بسزایی دارد. صحیفه‌ی سجاده از جمله‌ی این آثار ارزشمند است که حاوی ادعیه امام چهارم شیعیان است و نکات مفید و کارآمدی برای بهبود زندگی مسلمانان در ادعیه آن ارائه شده است. در این پژوهش تلاش شده، با استفاده از روش «تحلیل محتوای مقوله‌ای» به استخراج موضوعات اصلی مطرح شده در رابطه با چگونگی روابط فرزندان با والدین پرداخته شود و در نهایت، راهکارهای مطرح از دیدگاه امام سجاده<sup>(ع)</sup> در این زمینه استخراج گردد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که از دیدگاه آموزه‌های مطرح در ادعیه صحیفه‌ی سجاده، مهم‌ترین راهکارهای بهبود روابط فرزندان با والدین عبارت است از: دعا برای کسب توفیق خدمت به والدین، مهرورزی فرزندان به والدین، تشکر و قدردانی فرزندان از والدین، تواضع فرزندان در برابر والدین، عمل به دانسته‌ها برای خدمت به والدین.<sup>۱</sup>

### محمد عترت دوست

دانشیار گروه هیات و معارف اسلامی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران (نویسنده‌ی مسئول).

Etratdoost@sru.ac.ir

### شاره نوشین راد

مدرس گروه علوم قرآنی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

noshinrad@gmail.com

### واژگان کلیدی:

امام سجاده<sup>(ع)</sup>، صحیفه‌ی سجاده، خانواده، رابطه‌ی فرزندان با والدین، روش تحلیل محتوای مقوله‌ای.

۱- این پژوهش با حمایت مالی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی طبق ابلاغ شماره‌ی ۹۴۰۹ انجام شده است.

## ۱- مقدمه

در دوران حکومت بنی‌امیه، خفقان شدید و نامناسب بودن اوضاع اجازه نمی‌داد که امام سجاد (ع) بخواهند با مردم بی‌پرده و صریح صحبت کنند؛ به همین علت، حقایق و معارف را در قالب دعا بیان می‌کردند. صحیفه‌ی سجادیه شامل ۵۴ دعا است و به «زبور آل‌محمد» معروف است. هریک از دعاهای صحیفه‌ی سجادیه مشتمل بر موضوعی است. از آنجاکه بحث شیوه‌ی رفتار فرزند با والدین و شیوه‌ی رفتار والدین با فرزند یا همان تربیت فرزند در اسلام اهمیت بسیاری دارد؛ از این‌رو، با توجه به دعاهای صحیفه‌ی سجادیه تلاش شده تا با کاربردی‌ترین روش تحلیل محتوا و استخراج مهم‌ترین مقوله‌های مطرح‌شده در دعاها، الگوی ارتباط متقابل فرزندان با والدین و همچنین والدین با فرزندان کشف شود. در این پژوهش تلاش گردیده است که با استفاده از روش تحلیل محتوا، به تجزیه و تحلیل ادعیه صحیفه سجادیه پرداخته شود.

## ۲- پیشینه‌ی تحقیق

گفتنی است، درباره‌ی تحلیل محتوای دعاهای صحیفه‌ی سجادیه پژوهش‌های متعددی انجام شده؛ اما در هیچ‌کدام از آن‌ها به تحلیل مقوله‌ی تربیت فرزندان و چگونگی مواجهه‌ی فرزندان با والدین و ترسیم اخلاق خانواده در فرزندان پرداخته نشده است. با وجود این، برخی از پژوهش‌های مشابه معرفی می‌گردد: حسین فیاض در پایان‌نامه‌ی خود با عنوان «اصول و روش‌های تربیت فرزند در صحیفه‌ی سجادیه با تکیه بر دعای ۲۴ و ۲۵»، با رویکرد تحلیلی به بررسی اصول و روش‌های تربیتی از دیدگاه امام سجاد (ع) پرداخته و پس از معناشناسی واژه‌ها و بررسی ابعاد تربیت، برخی از اصول تربیتی به کاررفته در صحیفه‌ی سجادیه را بیان کرده و در آخر به تبیین برخی از روش‌های تربیتی نیز اشاره کرده است. مینا بیگدلی نیز در پایان‌نامه‌ی خود با عنوان «بررسی آموزه‌های تربیتی دعای ۲۴ و ۲۵ صحیفه‌ی سجادیه»، به شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی، به استخراج و تبیین آموزه‌های تربیتی این دو دعا در زمینه‌ی یادشده با ذکر مستندات قرآنی و روایی پرداخته است. علی‌اکبر محمدی‌مهر در مقاله‌ای با عنوان «امام سجاد (ع) و تربیت فرزند» که در اولین همایش ملی علوم تربیتی و روان‌شناسی معنویت و سلامت منتشر شده، به صورت اختصار به مطالبی درباره‌ی فرزند و تربیت آن اشاره کرده است.

مهدی ایزدی و حسین مهدوی‌منش نیز در مقاله‌ای با عنوان «پی‌جویی خانواده و کارکردهای تربیتی آن در آموزه‌های امام سجاد (ع) با تأکید بر شیوه‌های انحراف‌زدایی و فضیلت‌افزایی»، با استفاده‌ی ترکیبی از روش‌های توصیفی-تحلیلی و اکتشافی سعی دارد، با جمع‌بندی و ساختاربخشی به معارف گفتاری و رفتاری امام سجاد (ع)، به الگوی تربیتی خانواده از دیدگاه ایشان برسد؛ از این‌رو، در ابتدا به مراجعه به آموزه‌های امام سجاد (ع)، به جایابی خانواده و کارکردهای آن پرداخته و در نهایت، توصیه‌ها و روش‌های تربیتی را بیان نموده است که حضرت برای سرپرستان و متولیان امر تربیت در خانواده ترسیم کرده‌اند. رحمت‌الله مرزوقی نیز در مقاله‌ای با عنوان «انسان و تربیت از منظر صحیفه‌ی سجادیه»، ضمن بررسی ویژگی‌های انسان از دیدگاه صحیفه‌ی سجادیه، دلالت‌های آن را برای تعلیم و تربیت

مشخص کرد تا از این طریق، زمینه‌های بیشتری برای بررسی مبانی تربیت دینی و تدوین نظریه‌ی تعلیم و تربیت اسلامی فراهم شود. وی ابتدا به تعریف مفاهیمی چون نظام تربیتی، اهداف، مبانی، اصول و روش‌های تربیت پرداخته و ارتباط میان این مفاهیم را بیان کرده است و سپس با توجه به ارتباط منطقی میان این عناصر، به استنباط نظریه‌های راهنمای عمل از دیدگاه صحیفه پرداخته و نظام تعلیم و تربیت اسلامی را از حیث اهداف، مبانی، اصول و روش‌های تربیت از طریق دعاهای صحیفه بررسی شده تحلیل کرده است.

بررسی آثار یادشده نشان می‌دهد، پژوهش‌های گسترده‌ای درباره‌ی دعای ۲۵ صحیفه‌ی سجاده انجام شده است؛ اما با روش تحلیل محتوا و با تمرکز خاص بر موضوع بهبود روابط فرزندان با خانواده، پژوهشی انجام نشده است؛ به همین سبب، پژوهشی جدی در این زمینه ضرورت دارد و این خود انگیزه‌ای برای پژوهش در این زمینه است.

### ۳- روش تحقیق

تحلیل محتوا یکی از روش‌های مناسب برای تبیین دیدگاه‌ها و اندیشه‌ها است که با استخراج موضوعات محوری و فرعی، نقطه‌ی تمرکزها شناسایی می‌گردد و سپس بر اساس تحلیل کمی، به تحلیل کیفی پرداخته می‌شود. درواقع، هدف از این روش گویاسازی متن و استخراج پیام‌های پنهان موجود در متن است که با روش‌های دیگر به دست می‌آید. این پژوهش بر اساس فن تحلیل محتوای مضمونی بر مبنای واحد جملات و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای نگاشته شده است. در ادامه، به عنوان نمونه، بخشی از جدول تحلیل محتوای دعاهای صحیفه‌ی سجاده ارائه شده است:

کدگذاری	مضامین فرعی	مضمون اصلی	متن	شماره
S1	نقش صلوات در جلب رحمت الهی	درد بر محمد (ص) و آل محمد (ص)	«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ، وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ، وَ اخْصُصْهُمْ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَ رَحْمَتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ وَ سَلَامِكَ»؛ «بار خدایا، درد بفرست بر بنده‌ات و پیامبرت محمد و خاندان او که همه پاکان‌اند و برترین صلوات خود و رحمت خود و برکات و سلام خود، خاص آنان گردان.»	۱
S2	تأکید بر شروع دعا با صلوات بر پیامبر (ص) و خاندانش			
S3	تعلق برترین صلوات و رحمت و برکت و سلام بر پیامبر و اهل‌بیتشان			
S4	تأکید بر پاکی پیامبر و خاندانشان			
S5	تأکید بر دعای فرزند در حق والدین			
S6	درخواست کرامت و درود الهی برای پدر و مادر خود	درخواست حسن عاقبت برای والدین	«وَ اخْصُصِ اللَّهُمَّ وَالِدَيَّ بِالْكَرَامَةِ لَدَيْكَ، وَ الصَّلَاةِ مِنْكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»؛ «ای خداوند، پدر و مادر مرا نیز به کرامت خود و رحمت خود مخصوص گردان، ای مهربان‌ترین مهربانان.»	۲
S7	تأکید بر توأمان بودن کرامت و رحمانیت			

## ۴- یافته‌های تحقیق

با توجه به فراوانی موضوعات اصلی در دعاهای صحیفه‌ی سجادیه، پربسامدترین مسئله‌ای که حضرت روی آن تأکید داشته‌اند، بحث «بهبود روابط فرزند با والدین» است که امام سجاد (ع) ذیل پنج موضوع یا مقوله به آن پرداخته‌اند که در ادامه، به‌طور تفصیلی به هرکدام از این مضامین پرداخته می‌شود:

### ۴-۱- دعا برای کسب توفیق خدمت فرزندان به والدین

انجام وظایف در قبال والدین و رعایت حقوق آنان به‌قدری سنگین است که هیچ‌کس به‌جز خداوند قادر که بهترین یاری‌رسانندگان است، نمی‌تواند در انجام کامل این وظایف به فرزند یاری برساند و اگر کمک خداوند نباشد، انجام این وظایف محقق نخواهد شد. از سوی، سنگین‌ترین وظایف و مشکل‌ترین مسیرها با یاری خداوند بسیار سهل و آسان می‌شود.

امام سجاد (ع) در دعای خود، بزرگی و خطیر بودن خدمت به والدین را بیان کرده‌اند. از آنجاکه این وظیفه را بسیار مشکل و سنگین می‌دانند، به اَمّت فرمان می‌دهند که از خداوند برای ادای شایسته‌ی آن کمک بخواهند. اصولاً هرچه تکلیف مهم‌تر و سخت‌تر باشد، پاداش آن بیشتر است و مقام انسان را بالاتر خواهد برد، چنانکه عمل نکردن به آن، به همین نسبت، خطر جدی‌تری در پی دارد؛ اما ما بر این باوریم که توفیق و تأیید الهی مشکل‌ترین کارها را آسان می‌کند و تکالیف پیچیده را برای بندگان خالص خود بسیار ساده می‌سازد؛ از این‌رو، امام به خداوند متعال عرض می‌کند: «يَا خَيْرَ مَنْ اسْتَعِينَ بِهِ، وَ وَفَّقَنِي يَا أَهْدَى مَنْ رُغِبَ إِلَيْهِ»؛ «تو بهترین کسی هستی که به طریق هدایت آگاهی.» این مضمون در دعاها بسیار به چشم می‌خورد که خداوند متعال «مُسْئَلُ الْعَسِيرِ»، یعنی آسان‌کننده‌ی مشکلات است. (ممدوحی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۴۰۶).

همچنین خداوند در قرآن کریم در آیه‌ی ۴۵ سوره‌ی نساء در این‌باره می‌فرماید: «وَ كَفَى بِاللّٰهِ وَلِيًّا وَ كَفَى بِاللّٰهِ نَصِيرًا»؛ به این نکته اشاره دارد که در همه‌ی سختی‌ها کافی است، خداوند یاور انسان باشد تا همه‌ی مشکلات به‌آسانی حل شود و در آیه‌ی ۱۵۰ سوره‌ی آل‌عمران بر صفت «خَيْرُ النَّاصِرِينَ» خود تأکید می‌کند. در هر حال، تنها راه موفقیت در راه دشوار زندگی استعانت از خداوند قادر و مهربان است و امید است که در ادای مفهوم «إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» در نمازهای یومیه، همگی صادق و پایدار باشیم (۵۱۹، ۵۳۳، ۵۸۶، ۵۸۷).

امام سجاد (ع) در بخش دیگری از دعاهای صحیفه‌ی سجادیه می‌فرماید: «وَ اَللّٰهُمَّ عَلِمَ مَا يَجِبُ لَهٗمَّا عَلَيَّ اِلْهَامًا وَ اَجْمَعَ لِيْ عِلْمَ ذٰلِكَ كُلِّهٖ مَّمَامًا، ثُمَّ اسْتَعْمَلْنِيْ مِمَّا تُلْهَمُنِيْ مِنْهٗ» و از خداوند می‌خواهد که رفتار صحیح با والدین و حقوق آنان را در قالب دانشی به او الهام کند. الهام به معنای وارد کردن و در جان افکندن چیزی از سوی خداوند است (ازهری، ۱۴۲۱، ج ۶، ص ۱۶۹). شناختن حقوق سایر انسان‌ها از جمله پدر و مادر، نیاز به آموزش و الهام دارد و برای آگاهی از این حقوق و وظایف باید دعا کرد و از خدا مدد گرفت. از سوی، دانش برخورد با والدین و دانستن حقوق آنان دانشی خطیر است؛ پس باید آن را از منبعی معتبر و بی‌نقص دریافت کرد، منبعی که

کامل باشد و این علم را به صورت ناقص ارائه ندهد و همان طور که می‌دانیم، علم بی‌کران الهی تنها سرچشمه‌ی علمی معتبر و درخور برای شناخت حقوق والدین به طور کامل و همه‌جانبه با همه‌ی ظرایف و ریزه‌کاری‌های آن است و البته علاوه بر درخواست الهام و آموزش این علم، باید درخواست توفیق عمل به این علم را هم از خداوند متعال داشته باشیم.

اهمیت دانستن وظایف فرزندان در برابر والدین به حدی است که امام (ع) از خداوند مدد می‌گیرد که دانش رفتار درست و نیکی به والدین را به وی الهام کند تا حقوق ایشان را به نحو کامل ادا نماید و آنگاه توفیق عملی کردن آموخته‌ها و به‌کار بستن آن‌ها را نیز عطا فرماید. در اثبات کامل و معتبر بودن علم بی‌کران الهی، باید به آیه‌ی ۲۵ سوره‌ی اسراء استناد کرد که می‌فرماید: «رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِي نُفُوسِكُمْ إِنَّ تَكُونُوا صَالِحِينَ فَإِنَّهُ كَانَ لِلْأَوَّابِينَ غَفُورًا»؛ «پروردگار شما به آنچه در دل و جان شماست، از شما آگاه‌تر است»؛ زیرا علم او در همه‌ی زمینه‌ها حضوری و ثابت و ازلی و ابدی و خالی از هرگونه اشتباه است، درحالی‌که علوم شما واجد این صفات نیست (انصاریان، ۱۳۹۱، ج ۹، ص ۲۵۱).

در اثبات خطیر و مهم بودن علم شیوه‌ی رفتار با والدین و ادای حقوق آنان همین بس که احسان به والدین پس از مسئله‌ی توحید، یعنی اساسی‌ترین اصل اسلامی، قرار گرفته است. این هم‌ردیف بودن دو مسئله بیان‌کننده‌ی این است که اسلام تا چه حد برای پدر و مادر احترام قائل است؛ پس علم آن هم خطیر و مهم است، چنانکه در آیات متعددی از قرآن کریم آمده است:

۱. «لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (بقره: ۸۳)؛

۲. «وَ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ لَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (نسا: ۳۶)؛

۳. «أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (انعام: ۱۵۱)؛ «اینکه چیزی را شریک او قرار ندهید

و به پدر و مادر نیکی کنید»؛

۴. «وَ قَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (اسراء: ۲۳)؛ «و پروردگارت فرمان قاطع

داده است که جز خدا را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید»؛

۵. «يَا بَنِيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ» (لقمان: ۱۴-۱۳).

همچنین باید توجه داشت که مطلق بودن احسان که هرگونه نیکی را در برمی‌گیرد و همچنین والدین که مسلمان و کافر را شامل می‌شود، تأکید دیگری در این آیه است. نکره بودن واژه‌ی احسان که در این‌گونه موارد برای بیان عظمت می‌آید، تأکید دیگری محسوب می‌گردد (انصاریان، ۱۳۹۱، ج ۹، ص ۲۵۰). از همه‌ی این نکات به اهمیت شیوه‌ی رفتار با والدین و ادای حقوق آنان پی می‌بریم و متوجه می‌شویم که دانستن این علم چقدر مهم و حیاتی است.

در اثبات یادگیری این علم به صورت کامل و جامع و با همه‌ی ریزه‌کاری‌ها، آیه‌ی ذیل حق مطلب را ادا کرده است: «وَ قَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٌ وَ لَا تَنْهَرُهُمَا وَ قُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا» (اسراء: ۲۳)؛ «هرگاه یکی از آن دو یا هر دوی آنان نزد تو به سن پیری و شکستگی برسند، آنچنان که نیازمند به مراقبت دائمی تو باشند، از هرگونه محبت درباره‌ی آنان دریغ مدار و کمترین اهانتی به آنان مکن حتی سبک‌ترین تعبیر نامؤدبانه،

یعنی «أَفُ»، به آنان مگو و بر سر آنان فریاد مزن و گفتارت با آنان کریمانه باشد.» نهایت فروتنی را در حق آنان رعایت کن و بگو الهی! آنان را مشمول رحمت قرار ده، چنانکه در کودکی با من با رحمت برخورد کردند. در حقیقت، در این دو آیه، بخشی از ظرافت‌های برخورد مؤدبانه و فوق‌العاده احترام‌آمیز فرزندان را نسبت به پدر و مادر بازگو می‌کند (S10، S11، S12، S14).

همچنین امام سجاد (ع) در بخش دیگر از دعاهای صحیفه سجاده می‌فرماید: «ثُمَّ اسْتَعْمَلِنِي مِمَّا تَلْهَمُنِي مِنْهُ وَ وَفَّقَنِي لِلنُّفُودِ فِيمَا تَبَصَّرْتَنِي مِنْ عِلْمِهِ حَتَّى لَا يَفُوتَنِي اسْتِعْمَالُ شَيْءٍ عَلَّمْتَنِيهِ، وَ لَا تَتَّقُلْ أَرْكَانِي عَنِ الْحَقُوفِ فِيمَا آلَهْمْتَنِيهِ»؛ که می‌توان فهمید، علم‌آموزی لازم است؛ اما کافی نیست و حتماً باید به علم و دانش خود عمل کنیم و درخواست آگاهی، علم و بصیرت نافذ و اثرگذار از خداوند برای فرزند ضروری است. از سویی، باید به علم خود به‌طور کامل عمل کنیم و این‌گونه نباشد که به بخشی از آن عمل نمائیم و بخشی را فروگذاریم و در این مسیر، از خداوند بخواهیم که در راه عمل به علم خود بی‌حالی، کسالت و کندی را از اعضا و ارکان ما دور کند.

#### ۲-۴- مهرورزی فرزندان به والدین

هنگامی که انسان در برابر شخصی تواضع دارد و برای او احترام خاصی قائل است، به‌طور ناخودآگاه، هم با صدایی آرام و دل‌نشین با او سخن می‌گوید و هم سعی می‌کند بهترین و مؤدبانه‌ترین واژه‌ها را در سخن گفتن با او به‌کار برد. در واقع، داشتن این نوع رفتار و گفتار همراه با تواضع و فروتنی سبب از میان رفتن غرور و کبر در گوینده‌ی سخن می‌شود؛ برای همین است که امام (ع) بر سخن آهسته و نرم با والدین تأکید دارند.

با توجه به این بخش از دعای امام (ع)، «اللَّهُمَّ خَفِّضْ لَهُمَا صَوْتِي، وَ أَطْبِ لَهُمَا كَلَامِي»، متوجه می‌شویم که در سخن گفتن با والدین باید دو نکته را رعایت کنیم: مورد اول درباره‌ی تَن صدا و آهنگ کلام است که فرزند باید با صدایی آرام و آهنگی ملایم با آنان سخن بگوید و با والدین به بانگ بلند سخن نگوید (S43)، چنانکه لقمان در آیه‌ی ۱۹ سوره‌ی لقمان، به فرزندش توصیه می‌کند: «... وَ اغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ»؛ «و صدایت را آهسته ساز که بدترین آوازه‌ها بانگ خران است»؛ مورد دومی که باید به آن توجه کرد، محتوای سخن است که باید بزرگوارانه، مؤدبانه و سنجیده باشد، همان‌طور که خداوند می‌فرماید: «وَ قُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا» (اسراء: ۲۳)؛ «و به آنان سخنی نرم و شایسته بگو».

درباره‌ی خوش‌زبان بودن و خوب سخن گفتن، از امام باقر (ع) حدیثی وارد شده است که می‌فرماید: «فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا قَالَ قُولُوا لِلنَّاسِ أَحْسَنَ مَا تُحِبُّونَ أَنْ يُقَالَ لَكُمْ قِيَانُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ يُنْغِضُ اللَّعَانَ السَّبَابِ الطَّعَانَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ الْفَاحِشَ الْمُتَفَحِّشَ السَّائِلَ الْمُلْحِفَ وَ يُحِبُّ الْحَيَّ الْخَلِيمَ الْعَفِيفَ الْمُتَعَفِّفَ» (ابن‌بابویه، ۱۴۰۰، ص ۲۵۴)؛ «درباره‌ی این گفته‌ی خداوند که با مردم به زبان خوش سخن بگویند، فرمود: بهترین سخنی که دوست دارید مردم به شما بگویند، به آنان بگویید؛ زیرا خداوند لعنت‌کننده، دشنام‌دهنده، زخم‌زبان زن بر مؤمنان، زشت‌گفتار، بدزبان و گدای سمج را دشمن نمی‌دارد و باحیا و بردبار و عفیف پارسا را دوست دارد.»

خداوند خواسته با مردم با زبان خوش سخن بگوییم و چه کسی بیش از والدین مستحق نیکو سخن گفتن است؟

درباره‌ی این مطلب در شرح صحیفه‌ی سجادیه آمده است: وظیفه‌ی فرزندان، تنها فراهم آوردن آسایش والدین نیست، بلکه رعایت حرمت و ادب در برابر آنان است، به گونه‌ای که چنین خضوعی، مثلاً تواضع و خوار شمردن خود در برابرشان و با صدای آهسته و لحن نرم با ایشان سخن گفتن، در شرع مقدس برای کسی غیر از امامان<sup>(ع)</sup> یا عالمان بزرگ تجویز نشده است (ممدوحی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۳۹۶).

با توجه به این فراز «وَأَبْرَهُمَا بِرَّ الْأُمِّ الرَّءُوفِ»، به علت اینکه پس از محبت خداوند به بندگان، بالاترین نوع محبت، محبت مادر به فرزند است، سیدالساجدین<sup>(ع)</sup> از خداوند می‌خواهد محبتش به پدر و مادرش را به شدت محبت مادر به فرزندش قرار دهد. امام<sup>(ع)</sup> از خدا می‌خواهد که محبتش به والدین همین‌قدر نیرومند و شدید باشد. درباره‌ی ایجاد رابطه‌ی عاطفی مستحکم در روایات هم اشاره شده است: «در دوستی پدر پایدار باش و رشته‌ی آن را قطع نکن، وگرنه خداوند نور تو را خاموش می‌کند» (متقی هندی، ۱۴۱۳، ج ۱۶، ص ۴۶۸)؛ «هر مردی به چهره‌ی والدینش با دیده‌ی رحمت (محبت) بنگرد، خداوند در قبال آن، یک حج مقبول و نیکو برایش مقرر می‌فرماید» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۲۶۹)؛ «نگاه کردن به صورت والدین عبادت است» (ابن بابویه، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۲۰۵).

آنچه در این بخش آمد، تأکید بر نظام عاطفی خانواده به‌ویژه مهرورزی فرزند به والدین است که استحکام نهاد خانواده و همبستگی اعضای آن را افزایش می‌دهد. اصولاً عاطفه و احساس قوی در یک محیط صمیمی و جذاب و سالم چنان در اشباع‌گرایز عاطفی مؤثر است که مانع هوس‌های غلط و بیمارگونه خواهد شد و از پیدایش عقده‌های پیچیده‌ی روانی جلوگیری خواهد کرد و بدین ترتیب، در سالم‌سازی نظام اجتماعی سهم بزرگی دارد. واضح است که این استحکام محیط خانوادگی و همبستگی نظام اجتماعی و انس مردم با یکدیگر که در اثر روابط موجود میان این کانون‌های صمیمی حاصل می‌شود، برکات فراوانی دارد تا آنجا که می‌تواند جامعه را به یک خانواده‌ی بزرگ مبدل کند (۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲). متأسفانه امروزه این احساس مقدس در بسیاری از جوامع کمرنگ شده است. خدا نکند همبستگی و عاطفه‌ی خانوادگی تا آنجا رنگ ببازد که شاهد گسست رابطه‌ی میان فرزندان و والدین و به تدریج، گسیختگی و فروپاشی ارکان نهاد مقدس خانواده باشیم؛ بنابراین، پدران و مادران باید در ایجاد یک محیط صمیمی تلاش کنند، در غیر این صورت، پیش‌بینی و اگرایی فرزندان از ایشان امر دشواری نخواهد بود و تنها عاملی که می‌تواند جایگاه فرزندان را در چارچوب روابط خانوادگی تحکیم بخشد، تربیت دینی و اخلاق الهی است که باید با تلاش والدین، از ابتدایی‌ترین مراتب و با روش صحیح آغاز شود و گام‌به‌گام پیش رود (ممدوحی، ۱۳۸۳، ج ۲، صص ۳۹۳ و ۳۹۴).

در توضیح این بخش از دعای امام سجاد<sup>(ع)</sup> که می‌فرماید: «وَاجْعَلْ طَاعَتِي لَوْلَادِي وَبِرِّي بِهَمَّا أَقْرَّ لِعَيْنِي مِنْ رَقْدَةِ الْوَسْتَانِ، وَآتَلَجْ لِي صَدْرِي مِنْ شَرِّبَةِ الظُّمَانِ»، باید گفت که ما دو نوع محبت

کردن داریم: در نوع اول، شخص برای رفع تکلیف یا رسیدن به سود یا پاداش یا تشکر، به دیگری محبت می‌کند. این نوع از محبت در وجود فرد احساس آرامش و شادی ایجاد نمی‌کند و باعث خوشحالی و رضایت فرد دریافت‌کننده محبت هم نمی‌شود، به‌ویژه اگر فردی هوشیار باشد، بیش از احساس رضایت، احساس می‌کند که به شعورش توهین شده است؛ اما در نوع دوم، فرد بدون چشم‌داشت یا طمع رسیدن به پاداش یا تشکر و بدون رفع تکلیف یا بی‌حوصلگی، به دیگران محبت می‌کند؛ زیرا می‌داند این محبت باعث رشد خود او می‌گردد و در نتیجه، از این محبت کردن احساس آرامش و لذت بسیاری به او دست می‌دهد.

امام سجاد<sup>(ع)</sup> از خداوند می‌خواهد که به او توفیق دهد، محبتی از نوع دوم نسبت به والدین داشته باشد؛ محبتی بدون حدومرز که این احسان باعث رنج و زحمت او نشود و از صمیم قلب و همراه با احساس آرامش و لذت باشد؛ لذتی که شبیه باشد به دو لذت: ۱. لذت زمانی که فرد از شدت خستگی خواب به سراغش می‌آید و در این زمان، این خواب لذتی فراوان به انسان می‌بخشد و او را از آرامشی عمیق برخوردار می‌کند؛ ۲. لذتی که از نوشیدن یک لیوان آب خنک در اوج تشنگی و در هوایی گرم به انسان دست می‌دهد.

اگر فرزند عاطفه را در حق پدر و مادر از دست دهد، هیچ‌گاه نخواهد توانست در حق جامعه و کشورش مهرورز و صمیمی باشد و رابطه‌ی عاطفی با آن برقرار سازد. چنین فردی اگر در منطقه‌ی جنگی حاضر شود، برای هر ساعتی، حقوق و مقرری خاصی درخواست می‌کند (محبت نوع اول) و در واقع، اجبار دولت و سپس طمع مادی او را به فضای دفاع از کشور متمایل می‌سازد. از جان‌گذشتگی در میان این افراد نادر است و صرفاً از انتقام‌گیری ناشی از خشم مقطعی حاصل می‌شود، نه یک احساس عمیق عاطفی (محبت نوع دوم) نسبت به هم‌وطنان و میهن خود (۳۳۴، ۳۳۵).

امام سجاد<sup>(ع)</sup> در بخش دیگر از دعاهای خود می‌فرماید: «وَأَلِّنْ لِهَمَّا عَرِيكَتِي وَاعْطِفْ عَلَيْهِمَا قَلْبِي» که می‌توانیم علت این خواسته‌ی امام<sup>(ع)</sup> از خداوند را که می‌خواهند در برابر والدین به نرمی رفتار کنند، با استفاده از این آیه درک نماییم که می‌فرماید: «فِيمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَفَقَضُوا مِنْ حَوْلِكَ» (آل عمران: ۱۵۹)؛ «[ای پیامبر!] پس به مهر و رحمتی از سوی خدا با آنان نرم‌خوی شدی و اگر درشت‌خوی و سخت‌دل بودی، از پیرامونت پراکنده می‌شدند.» اگر فرزندان، به جای نرمی با والدین، با آنان درشت‌خوی و بدرفتار باشند، از نظر عاطفی میان والدین و فرزندان فاصله و جدایی ایجاد می‌شود و والدین و فرزندان نسبت به هم بی‌تفاوت می‌گردند. چه بسا والدین از فرزندآوری خویش پشیمان شوند و به سبب درشت‌خویی او، فرزند را رها کنند و به تربیت او آن‌طور که باید نمی‌پردازند؛ زیرا یکی از نتایج درشت‌خوی بودن و بدرفتاری نسبت به اطرافیان (در اینجا والدین) دور شدن آنان از انسان است و این از نتایج دنیوی آن است و اگر بخواهیم به نتایج اخروی آن پردازیم، درشت‌خویی با والدین سبب می‌شود که فرد از بوی بهشت محروم گردد و موجب خشم خداوند شود.

علت اینکه امام<sup>(ع)</sup> از خداوند می‌خواهد که قلبش نسبت به والدین نرم و خاشع گردد، این

است که خشوع و نرمی در رفتار و گفتار برخاسته از خشوع و نرمی در قلب نسبت به والدین است؛ به عبارت دیگر، تا زمانی که قلب فرد برای والدین رام و خاشع نشود و محبت آنان در قلب جای نگیرد، نمی‌توان انتظار خشوع و نرمی و فروتنی را در رفتار و گفتار نسبت آنان داشت؛ همچنین با توجه به این بخش از دعا، «وَصَيِّرْنِي بِهِمَا رَفِيقًا، وَ عَلَيْهِمَا شَفِيقًا»، «رفیق» در معنی عرفی کلمه، کسی است که با او سازگاری داریم، مدارا می‌کنیم و ستیزه نمی‌ورزیم (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۱۴۹). درواقع، حضرت از خداوند می‌خواهد که پس از اینکه قلبش را بر سر مهر با والدین آورد و رام آنان کرد، او را رفیق و سازگار با آنان قرار دهد. واژه‌ی شفیق از ریشه‌ی «شفقه» مشتق شده است. درواقع، مشفق به فردی اطلاق می‌شود که هم نگران انسان است و هم امید و اشتیاق به بهبود اوضاع و احوال او دارد. برای همین امام <sup>(ع)</sup> می‌خواهد که خداوند او را نسبت به والدین مشفق گرداند تا نگران اوضاع و احوال والدین خود باشد و در برابر ناراحتی و مشکلات آنان احساس مسئولیت کند و در سختی‌ها به یاری‌شان برخیزد و دلسوز آنان باشد.

در تأیید این مطلب باید گفت، امام رضا <sup>(ع)</sup> در پاسخ مسئله‌ای که محمدبن سنان پرسید، می‌فرماید: خداوند نافرمانی پدر و مادر را از این جهت حرام فرموده است که موجب از دست دادن توفیق طاعت خداوند عزوجل و بی‌احترامی به پدر و مادر و ناسپاسی نعمت و ناشکری و کم شدن نسل و قطع شدن آن می‌شود و همچنین نافرمانی آنان سبب می‌گردد که پدر و مادر حرمت نداشته باشند، حقوق آنان شناخته نشود، پیوندهای خویشاوندی قطع گردد، پدر و مادر به داشتن فرزند بی‌میل شوند و به علت نیکی نکردن و نافرمانی فرزند، آنان نیز در تربیت، او را رها سازند. این محرومیت‌ها گاهی تا اندازه‌ای ادامه خواهد داشت که به فقر و خواری گرفتار شود و از بوی بهشت هم بی‌نصیب گردد (انصاریان، ۱۳۹۱، ج ۹، صص ۲۶۸ و ۲۶۹).

نرم‌خوی بودن فرزندان نسبت به والدین باعث تشویق مرد و زن به زندگی زناشویی و فرزندآوری می‌شود. شاید از مجموعه‌ی این فراز بتوان نتیجه گرفت که یکی از اسرار و حکمت‌های احترام فوق‌العاده به پدر و مادر در شرع مقدس اسلام تشویق به زندگی زناشویی و داشتن فرزند و تشکیل محیط سالم خانوادگی و بهره‌مندی از مزایای فرزندداری است. درواقع، معصوم <sup>(ع)</sup> اعلام کرده است که اگر کسی رنج پدر و مادر بودن را تحمل نماید، از چنان عظمتی برخوردار است که باید فرزندان در مقابل او چنین عمل کنند و بدین شکل، انگیزه‌ی مضاعف برای زندگی طبیعی و اشباع احساسات و غرایز ایجاد شود (S۴۴، S۴۵، S۴۶).

برای پی بردن به شیوه و آداب رفتار با والدین می‌توانیم به شیوه‌ی رفتار پیامبران و ائمه‌ی معصومین با والدینشان مراجعه کنیم و آنان را الگو قرار دهیم تا یاد بگیریم که باید با نرمی با والدین برخورد کرد، آنان را بزرگ شمرد و خواست آنان را بر خواست خود ترجیح داد و کریمانه با آنان سخن گفت و رفتار نمود. در قصه‌ی یوسف <sup>(ع)</sup>، آنگاه که پدر و مادر و برادرانش بر او وارد شدند، خداوند متعال درباره‌ی آنان فرمود: «فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَىٰ يَوْسُفَ آوَىٰ إِلَيْهِ أَبُوهُ وَقَالَ ادْخُلُوا مِصْرَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ أَمِينٌ وَرَفَعَ أَبُوهُ عَلَى الْعَرْشِ وَخَرُّوا لَهُ سُجَّدًا» (یوسف: ۱۰۰-۹۹)؛ «پس زمانی که بر یوسف وارد شدند، پدر و مادرش را کنار خود جای داد و گفت: همگی با خواست خدا

[آسوده‌خاطر و] در کمال امنیت وارد مصر شوید و پدر و مادرش را بر تخت بالا برد و همه برای او به سجده افتادند.» یوسف برای استقبال از والدین خود، در بیرون شهر خیمه‌ای زده و به انتظار ایستاده بود تا آنان را با عزت و احترام وارد مصر کند و با شکوه به کاخ وارد شوند. دو جمله‌ی «آوی إِلِيهِ» و «وَرَفَعَ أَبَوَيْهِ عَلَى الْعَرْشِ» به بزرگداشت و حرمت داشتن مقام پدر و مادر حضرت یوسف <sup>(ع)</sup> اشاره دارد. یوسف پس از سال‌ها دور از خانواده و خانه، ابتدا پدر و مادر را در آغوش گرفت و بسیار با محبت و علاقه با آنان روبوسی و خوش‌زبانی کرد و اشک شوق دیدار و صفای دل بر رخ او هویدا شد؛ سپس آنان را بر تخت سلطنت نشانید و تاج افتخار خود را بر سر آنان گذاشت و در کنار خود، مدال افتخار دیگری که همان تکریم پدر و مادر بود، کسب کرد (انصاریان، ۱۳۹۱، ج ۹، صص ۲۶۹ و ۲۷۰).

همچنین با توجه به این بخش از دعای امام سجاد <sup>(ع)</sup> که می‌فرماید: «وَ أَقْدَمُ إِحْسَانًا إِلَيَّ»، احسان فرزندان به والدین واجب‌تر است؛ اول از این نظر که والدین به‌صورت فطری و خواه‌ناخواه، فرزندان را جگرگوشه، نور چشم و پاره‌ی تن خود می‌دانند و به همین سبب، به‌طور خودکار بیشترین احسان و محبت را به فرزندان خویش روا می‌دارند. این فرزندان بی‌وفا هستند که والدین را پاره‌ای از وجود خود نمی‌دانند و از محبت و احسان کردن به والدین خود گریزان‌اند. به همین علت هم هست که در قرآن کریم، خداوند به والدین یادآوری نمی‌کند که به فرزندان احسان کنند و حقوق آنان را به‌جا آورند؛ اما به فرزندان تأکید مؤکد می‌کند که به والدین خود احسان کنند و دوم، از این نظر که کسی که ابتدا بدی کردن را آغاز کند، ستم بیشتری روا می‌دارد و جزای بیشتری را باید ببیند و همچنین کسی احسان و خوبی کردن را اول شروع نماید، احسان بیشتری می‌کند و پاداش بیشتری دارد؛ پس از آنجا که والدین نسبت به فرزندان در احسان کردن تقدّم دارند، آن‌هم در همان ابتدای تولد و حتی در مادران در همان ابتدای تشکیل فرزند، همان‌طور که در قرآن می‌فرماید: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتُهُ أُمَّهُ وَهَنَا عَلَى وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ» (لقمان: ۱۴)؛ «و انسان را درباره‌ی پدر و مادرش سفارش کردیم، مادرش به او حامله شد، [درحالی‌که] سستی به روی سستی [به او دست می‌داد] و بازگرفتنش [از شیر] در دو سال است [و سفارش کردیم] که برای من و پدر و مادرت سپاس‌گزاری کن؛ بازگشت [همه] فقط به‌سوی من است»، فرزند کاملاً نیازمند و حاجتمند والدین است و احسان والدین خود را درک نمی‌کند و توان جبران آن را هم ندارد؛ ازاین‌رو، احسان والدین بسیار بیشتر از احسان فرزندان است؛ بنابراین، بر فرزندان واجب‌تر است که به والدین خود احسان و نیکی کنند (SV۹، SV۹).

#### ۴-۳- تشکر و قدردانی فرزندان از والدین

نعمت‌های عطا شده از سوی خداوند به انسان و لطف او نسبت به ما بسیار فراوان است؛ اما یادآوری آن‌ها و رسیدن به این معرفت که بزرگی این لطف را در دل احساس کنیم، در همه‌ی انسان‌ها دیده نمی‌شود. اگر انسان معرفت و ایمان بسیاری داشته باشد، کوچک‌ترین لطف و نعمات خداوند در نظرش بزرگ جلوه می‌کند. این قضیه درباره‌ی والدین نیز صادق است؛ برای

همین هم امام <sup>(ع)</sup> از خداوند می‌خواهد، او را به این معرفت برساند که حتی کوچک‌ترین لطف پدر و مادر در نظرش بزرگ جلوه کند (۳۹۹).

محبت والدین هم از نظر تعداد سال‌هایی که آنان به ما محبت کردند و هم از نظر مقدار محبت، از محبت فرزندان بسیار بیشتر است. از آنجاکه والدین فرزندان خود را جگرگوشه، نور چشم و پاره‌ی تن خود می‌دانند، به‌صورت فطری و خواه‌ناخواه، به فرزندان با همه‌ی وجود محبت می‌کنند. این فرزندان بی‌وفا هستند که محبت کردن به والدین را بر خود سنگین می‌دانند و از بار انجام آن شانه خالی می‌کنند (۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴). در روایتی آمده است که از رسول خدا <sup>(ص)</sup> سؤال می‌کنند: «وَقَالَ بَعْضُ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا بَالُنَا نَجِدُ بِأَوْلَادِنَا مَا لَا يَجِدُونَ بِنَا قَالَ لِأَنَّهُمْ مِنْكُمْ وَ لَسْتُمْ مِنْهُمْ»؛ «برخی از یاران پیامبر <sup>(ص)</sup> به ایشان عرض کردند: ای رسول خدا چگونه است که ما (به سبب بیماری یا مرگ) فرزندانمان اندوهگین و مضطرب می‌شویم؛ اما فرزندانمان چنین نیستند؟ حضرت فرمود: زیرا آنان بخشی از وجود شما هستند؛ اما شما پاره‌ای از آنان نیستید» (ابن‌بابویه، ۱۴۰۰ ق، ص ۴۹۹).

در روایتی دیگر آمده است: «قَالَ رَجُلٌ لِرَسُولِ اللَّهِ <sup>(ص)</sup>: إِنَّ وَالِدَتِي بَلَّغَهَا الْكِبَرَ وَ هِيَ عِنْدِي الْآنَ أَخْمِلُهَا عَلَى ظَهْرِي وَ أَطْعُمُهَا مِنْ كِسْبِي وَ أَمِيطُ عَنْهَا الْأَذَى بِيَدِي وَ أَصْرِفُ عَنْهَا مَعَ ذَلِكَ وَجْهِي إِسْتِحْيَاءً مِنْهَا وَ إِعْظَامًا لَهَا فَهَلْ كَافَأْتُهَا قَالَ لَا لِأَنَّ بطنَهَا كَانَ لَكَ وَعَاءً وَ نَدْبِهَا كَانَ لَكَ سِقَاءً وَ قَدَمُهَا لَكَ حِدَاءً وَ يَدُهَا لَكَ وَقَاءً وَ حِجْرُهَا لَكَ حِوَاءً وَ كَانَتْ تَصْنَعُ ذَلِكَ لَكَ وَ هِيَ تَمْتَنِي حَيَاتِكَ وَ أَنْتَ تَصْنَعُ هَذَا بِهَا وَ تُحِبُّ مَمَاتَهَا»؛ «روزی شخصی به پیامبر اکرم <sup>(ص)</sup> گفت: ای رسول خدا! مادرم پیر شده و نزد من زندگی می‌کند، او را در پشت خود حمل می‌کنم، برای رفع حوائجش به این طرف و آن طرف می‌برم و از درآمد خویش نیازهای وی را تأمین می‌نمایم، با دست خود او را از آزار و اذیت‌ها محافظت می‌کنم، با کمال ادب و تعظیم و احترام با او رفتار می‌نمایم. آیا زحمات وی را تا حدودی جبران کرده‌ام؟ پیامبر <sup>(ص)</sup> فرمود: نه؛ زیرا شکم او جایگاه تو، پستان‌هایش منبع تغذیه‌ی تو، قدم‌هایش وسیله‌ی حرکت تو، دست‌هایش محافظ تو و آغوش او گهواره‌ات بوده است. او این خدمات را با رضایت خاطر برای تو انجام می‌داد و آرزو می‌کرد که تو زنده بمانی؛ اما تو خدماتی را به وی ارائه می‌دهی، درحالی‌که انتظار مرگ او را داری» (نوری مازندرانی، ۱۴۰۵، ج ۱۵، ص ۱۸۰). مردی از پدرش نزد پیامبر گرامی <sup>(ص)</sup> شکایت کرد. حضرت پدر را خواست و پرسش نمود. پدر پیر گفت: روزی که من قوی و پولدار بودم، به فرزندم رسیدگی کردم و چیزی از او دریغ نکردم؛ اما امروز او پولدار و بخیل شده است و به من کمک نمی‌کند. رسول خدا <sup>(ص)</sup> گریست و فرمود: هیچ سنگ و شنی نیست که این قضیه را بشنود و نگیرد؛ سپس دومرتبه به آن فرزند فرمود: «أَنْتَ وَ مَا لَكَ لِأَبِيكَ»؛ «تو و دارایی‌ات از آن پدر توست» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۳۶). این حدیث بر این نکته تأکید دارد که محبت والدین بیش از محبت فرزندان است (۳۴۱، ۳۷۷، ۳۱۰۴).

هیچ فرزندی نیست که بتواند ادعا کند همه‌ی لطف‌های والدین اعم از مالی، حراستی و عاطفی را به‌طور کامل جبران کرده است و هیچ فرزندی نیست که بتواند ادعا کند که در برابر والدین هیچ کوتاهی نداشته است. لطف والدین برای فرزندان جبران‌ناپذیر است. مردی خدمت

پیامبر آمد و عرض کرد: «مادری دارم که او را بر دوش خود حمل می‌کنم تا حوایج او را برآورده سازم، لقمه را در دهانش می‌گذارم و او را تر و خشک می‌کنم. آیا جبران محبت‌های او را کرده‌ام؟» حضرت فرمود: «شاید این محبت تو به اندازه‌ی یک ناله‌ی او هنگام زایمان باشد» (هیثمی، ۱۴۰۸، ج ۸، ص ۱۳۷).

درواقع، امام <sup>(ع)</sup> می‌فرماید: حقوقی در کار است که بسیاری از فرزندان آن‌ها را نشناختند و اگر عده‌ی اندکی به شناخت آن‌ها رسیده باشند، هرگز قدرت ادای آن‌ها را در خود نیافته‌اند. راستی، مگر نه این است که جوانی پدر و مادر که ایام عشرت و آسایش و التذاذ آنان است، غالباً صرف نگهداری از فرزند و اهتمام تمام در آسایش او می‌شود و در عوض، تنها به عشق و مهرورزی خود به فرزندان و دریافت لبخند و نگاهی از سوی دلبنده‌شان بسنده کرده‌اند؟ چه کسی می‌تواند جوانی و نشاط جوانی را به پدر و مادر خود برگرداند و یا آن طراوت و زیبایی و شور و عشق را برای این دو فرسوده‌ی ناتوان بازآورد؟ (ممدوحی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۴۰۵). نقل است که شخصی به امام صادق <sup>(ع)</sup> عرض کرد: پدرم کهن‌سال و ناتوان شده است و ما او را برای برآوردن حوایجش به دوش می‌گیریم. فرمود: اگر توانستی، چنین کن و لقمه‌ی غذا را با دست خود به او بده که فردای قیامت سپر و محافظ تو خواهد بود (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۶۲).

حقوق والدین واجب‌ترین حق پس از حق خداوند بر گردن انسان است. درواقع، حقوق والدین شبیه‌ترین و نزدیک‌ترین حق به حق الهی است. امام علی <sup>(ع)</sup> می‌فرماید: «بِرُّ الْوَالِدَيْنِ أَكْبَرُ فَرِيضَةٍ»؛ «نیکی به پدر و مادر بزرگ‌ترین واجب است» (آمدی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۵۷۶). از دو نظر می‌توان گفت که حق والدین به حق خداوند شبیه‌ترین است؛ اول، از این نظر که پس از خداوند که خالق همه‌ی آسمان‌ها و زمین است، والدین هم آفریننده‌ی کوچک ما هستند. درواقع، ما وجود خویش را پس از خداوند، از آنان داریم و به اراده‌ی آنان، پس از اراده‌ی خداوند، به وجود آمده‌ایم. همان‌طور که خداوند می‌فرماید: «ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ» (مؤمنون: ۱۳)؛ «سپس آن را نطفه‌ای در قرارگاهی استوار [چون رحم مادر] قرار دادیم.»

از سوی دیگر، والدین در نیکی کردن به فرزندان تقدم دارند. آنان آغازکننده‌ی لطف و احسان هستند و کسی که ابتدا لطف و احسان را آغاز کند، نیکی بیشتری کرده است؛ اما ما پس از والدین و برای جبران تنها مقدار اندکی از محبتی که پیش‌تر به ما کردند، به آنان خدمت می‌کنیم، همان‌طور که قرآن کریم می‌فرماید: «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ» (الرحمن: ۶۰)؛ «آیا پاداش نیکی جز نیکی است؟» همچنین آنان در کودکی به امید سالم و زنده ماندن ما و به دور از کراهت به ما خدمت می‌کردند؛ اما اگر بخواهیم لطفی به آنان کنیم، در دوران پیری و فرسودگی آنان است.

همان‌طور که جوانی پدر و مادر که ایام عشرت آنان است، بیشتر صرف نگهداری از فرزند و تلاش برای فراهم کردن آسایش او می‌شود و در عوض تنها به عشق و مهرورزی خود به فرزند و دریافت لبخند و نگاهی از سوی فرزندشان اکتفا کرده‌اند، چه کسی می‌تواند جوانی و نشاط را به والدین خود بازگرداند؟ پس با توجه به همه‌ی این استدلال‌ها، حق والدین بر فرزند واجب‌تر از

حق فرزند بر والدین است (SVA).

درباره‌ی اصل واژه‌ی «انسان»، یک احتمال این است که از «نسی» گرفته شده و این بدان سبب است که انسان هم خویش را و هم گناهانش و بسیاری چیزهای دیگر مانند لطف خداوند، والدین و سایر افراد را در حق خویش فراموش می‌کند. البته باید دانست که فراموشی‌های غیراختیاری نسبت به برخی امور، حکمت خاصی دارد؛ اما در این بخش از دعای امام سجاد<sup>(ع)</sup> این فراموشی‌های غیراختیاری منظور نیست، بلکه آن فراموشی منظور است که از روی بی‌اعتنایی به امور رخ می‌دهد. خداوند در این آیه می‌فرماید: «وَ إِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ نِعْمَةً مِّنْهُ نَسِيَ مَا كَانَ يَدْعُو إِلَيْهِ مِن قَبْلُ» (زمر: ۸)؛ «و چون به انسان آسیبی رسد، پروردگارش را در حال بازگشت به سوی او [برای برطرف شدن آسایش] می‌خواند؛ سپس چون او را [برای رهایی از آن آسیب] نعمتی از جانب خود عطا کند، آن آسیب را که پیش‌تر برای برطرف شدنش دعا می‌کرد، فراموش می‌نماید.» این آیه نمونه‌ای از اینکه انسان نعمت و عطایای پیشین خداوند را از روی بی‌اعتنایی و بی‌وفایی فراموش می‌کند، یادآور می‌شود. درباره‌ی والدین هم این امر صادق است و فرزندان به نیکی‌ها و لطف‌های والدین خود بی‌اعتنا می‌گردند، شاید به این علت که لطف مکرر والدین خویش را حق مسلم خود می‌دانند و بزرگی این الطاف را از یاد می‌برند (S۸۱).

از سوی دیگر، سپاس‌گزاری از والدین خود نوعی سپاس‌گزاری از خداوند است، چنانکه امام رضا<sup>(ع)</sup> در حدیثی می‌فرماید: «مَنْ لَمْ يَشْكُرْ وَالِدَيْهِ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ»؛ «کسی که از پدر و مادرش تشکر نکند، خدا را تشکر و سپاس‌گزاری ننموده است» (مجلسی، ۱۳۸۷، ج ۷۴، ص ۶۸).

در حدیث دیگری از امام زین العابدین<sup>(ع)</sup> درباره‌ی کثرت لطف و محبت مادر در حق فرزند آمده است: «فَحَقُّ أُمِّكَ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّهَا حَمَلَتْكَ حَيْثُ لَا يَحْمِلُ أَحَدٌ أَحَدًا وَأَطَعَمَتْكَ مِنْ ثَمَرَةِ قَلْبِهَا مَا لَا يَطْعِمُ أَحَدٌ أَحَدًا وَ أَنْهَا وَفَّتْكَ بِسَمْعِهَا وَ بَصَرِهَا وَ يَدِهَا وَ رِجْلِهَا وَ شَعْرَهَا وَ بَشَرَهَا وَ جَمِيعَ جَوَارِحِهَا مُسْتَبْشِرَةً بِذَلِكَ فَرَحَهُ مُوَابِلَةً مُحْتَمِلَةً لِمَا فِيهِ مَكْرُوهًا وَ أَلْمَهَا وَ ثَقُلَهَا وَ غَمَهَا حَتَّى دَفَعْتَهَا عَنْكَ يَدَ الْقُدْرَةِ وَ أَخْرَجْتِكَ إِلَى الْأَرْضِ فَرَضِيَتْ أَنْ تَشْبَعَ وَ تَجُوعَ هِيَ وَ تَكْسُوكَ وَ تَعْرَى وَ تُرْوِيكَ وَ تَظْمَأُ وَ تُظْلِكَ وَ تَضْحَى وَ تَنْعَمُكَ بِبُؤْسِهَا وَ تَلَذِّدُكَ بِالنُّومِ بِأَرْقِهَا وَ كَانَتْ بطنِهَا لَكَ وَعَاءً وَ حَجْرُهَا لَكَ حِوَاءً وَ تُدْبِيهَا لَكَ سِقَاءً وَ نَفْسُهَا لَكَ وَقَاءً تَبَاشِرُ حَزَّ الدُّنْيَا وَ بَرْدَهَا لَكَ وَ دُونَكَ فَتَشْكُرُهَا عَلَى قَدْرِ ذَلِكَ وَ لَا تَقْدِرُ عَلَيْهِ إِلَّا بِعَوْنِ اللَّهِ وَ تَوْفِيقِهِ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۲۷، ج ۱، ص ۲۷۴)؛ «حق مادرت این است که بدانی او تو را چنان برداشته است که کسی دیگری را بدان گونه برنگیرد و از میوه‌ی دل خود تو را چنان خورانده که هیچ‌کس دیگری را بدان‌سان نخوراند و به‌راستی تو را به گوش و چشم و دست و پای و پوست و همه‌ی اندام‌هایش (با تمام وجود خود) نگهداری کرده و بدین نگهداری، به خوش‌رویی و دل‌شادی مواظبت در پیوسته و هر ناگواری و درد و گرانی و نگرانی (دوران بارداری را) تحمل کرده است، چنانکه دست تطاول (آفات) را از تو دور ساخته و تو را بر زمین نهاده و خرسند بوده است که تو سیر باشی و او خود گرسنه ماند و تو جامه پوشی و او برهنه باشد و تو را سیراب کند و خود تشنه ماند و تو را در سایه دارد و

خود زیر آفتاب باشد و با بیچارگی خود تو را نعمت بخشد و با بی‌خوابی خود تو را لذت خواب چشاند و شکمش ظرف هستی تو بوده و دامنش پرورشگاهت و پستانش چشمه‌ی نوشت و جانش نگهدارت، سرد و گرم دنیا را برای تو و به خاطر تو چشیده است؛ پس به قدرشناسی از این همه، او را سپاس‌گزار و این قدردانی را نتوانی جز به یاری و توفیق خداوند، هر فرزندی که چشم خود را بر الطاف عظیم و بی‌کران والدین ببندد و تنها چند کوتاهی آنها را بزرگ شمارد، ناسپاسی کرده است؛ بنابراین، شکرگزاری از زحمات والدین در قرآن در ردیف شکرگزاری در برابر نعمت‌های خدا قرار داده شده است: «أَنْ أَشْكُرَ لِي وَلِوَالِدَيْكَ» (لقمان: ۱۴)؛ «[و سفارش کردیم] که برای من و پدر و مادرت سپاسگزاری کن.» «باینکه نعمت‌های خداوند بیش از اندازه است که قابل شماره باشد و این دلیل بر عمق و وسعت حقوق والدین است (انصاریان، ۱۳۹۱، ج ۹، ص ۲۵۳).

#### ۴-۴- تواضع فرزندان در برابر والدین

از آنجاکه هرچه انسان خداوند را در نظر خود بزرگ‌تر، باشکوه‌تر و سلطان عالم بداند، بیشتر به کوچکی و ناچیزی و خاکساری خود پی می‌برد، این مطلب در تواضع و فروتنی عبد در برابر معبود و انداختن ریسمان بندگی بر گردن مؤثر است. درباره‌ی ترس از خداوند ترس از هیبت والدین باید گفت ما دو نوع ترس داریم: ۱. ترس مذموم؛ ۲. ترس ممدوح. ترس مذموم مانند ترس منافقان از رفتن به جنگ با دشمنان اسلام که مورد نکوهش قرآن قرار گرفته است: «أَنْتُمْ أَشَدُّ رَهْبَةً فِي صُدُورِهِمْ مِنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ» (حشر: ۱۳)؛ «[آری، منافقان کافران از اهل کتاب را در گرماگرم جنگ به هنگام خطر رها می‌کنند و می‌گریزند؛ زیرا] ترس آنان از شما در دل‌هایشان بیش از ترس از خداست؛ چون آنان قومی هستند که [حقایق را به خاطر کوردلی] نمی‌فهمند.» ترس ممدوح را نیز می‌شود این‌چنین تعریف کرد: نوع خاصی از برانگیختگی و هوشیاری درونی که سبب می‌گردد انسان به‌طور هوشمندانه و در چارچوب عقل و شرع از مهلکه‌های خطری که دنیا و آخرت او را تهدید می‌کند، خارج شود. ترس پسندیده به رشد و کمال آدمی کمک می‌کند؛ مثلاً یکی از مهم‌ترین گونه از ترس‌های تربیتی و اخلاقی در فرهنگ قرآن، ترس از خداست. بسیاری از کسانی که در دنیا خود را محروم از سعادت و کمال کرده‌اند، به سبب نبودن این نوع از ترس بوده است. درواقع، ترس از خدا نوعی معرفت دینی است که انسان را متوجه حضور، اقتدار، شوکت، عظمت و بزرگی خدای متعال می‌نماید. این شناخت و آگاهی نسبت به خدای متعال موجب می‌شود، انسان ملکه‌ی تقوا را در وجود خود تقویت کند و از هرگونه سستی و تنبلی در اجرای فرمان‌های الهی و مسئولیت‌های دینی تغافل نکند: «وَلَمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ» (الرحمن: ۴۶)؛ «و برای کسی که از مقام پروردگارش بترسد، دو باغ بهشتی است.» «هُدًى وَ رَحْمَةً لِلَّذِينَ هُمْ لِرَبِّهِمْ يَرْهَبُونَ» (اعراف: ۱۵۴)؛ «هدایت و رحمت برای کسانی بود که از پروردگار خویش می‌ترسند (و از مخالفت فرمانش بیم دارند)؛ «و أَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَ نَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ، فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ» (نازعات: ۴۰-۴۱)؛ «و آن کس که از مقام پروردگارش ترسان باشد و نفس را از

هوی بازدارد، قطعاً بهشت جایگاه اوست.»

پس همان‌طور که ترسیدن از هیبت خداوند هم سبب خاکساری در برابر او و رعایت حریم الهی است و هم مانع گناه کردن انسان و باعث رسیدن او به کمال می‌شود، ترس از والدین هم ترس پسندیده‌ای است که همین آثار را در پی دارد؛ یعنی از سویی باعث می‌گردد فرزند حرمت والدین را نگه دارد، در برابر آنان بی‌ادبی و هتک حرمت نکند و هم اثر تربیتی دارد؛ یعنی اگر فرزند از هیبت و شکوه والدین بترسد، می‌داند که اگر به راه خطا رود و اشتباهی از او سر زند، با تنبیه و مجازات روبرو خواهد شد و این ترس از والدین مانع شقی شدن و خطاکار شدن فرزند و روی آوردن او به بزه می‌شود و همچنین سبب می‌گردد که والدین را اطاعت کند. امام سجاد (ع) در این بخش از دعای خود خواستار آن است که هیبت والدین در نظرش بزرگ شود.

«عسوف» صیغه مبالغه از ریشه‌ی «عَسَف» و به معنای رفتن به راهی بدون راهنما است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۳۹). اگر کسی به‌جای آنکه به راه درست برود، سر از قعر چاه درآورد و به‌جای گام نهادن در مسیر درست، در کج‌راهه گام نهد، «عاسف» نامیده می‌شود و وقتی این کج‌روی را به شکلی مبالغه‌آمیز تکرار کند، «عَسوف» لقب می‌گیرد. به همین علت است که به ظلم «عَسَف» می‌گویند (ابن‌سیده، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۴۹۷). امام می‌فرماید: «هَيْبَةُ السُّلْطَانِ الْعَسُوفِيٍّ؛ زیرا که این سلطان، سلطانی جائر است که هم زود جزا و هم سخت جزا است، هنگامی که انسان در برابر چنین سلطانی قرار بگیرد، بسیار حواس خود را جمع می‌کند که از او خطایی سر نزند و مراقب همه‌ی اخلاق و رفتار خویش است. برای همین است که امام از خداوند می‌خواهد، هیبت والدین را در ذهنش بزرگ و مانند هیبت سلطان جائر قرار دهد تا به سبب آن، ترس ممدوحی که ذکر کردیم، در فرزند به وجود آید و موجب رشد و سعادت وی شود (S۲۷، S۲۸، S۲۹).

رضایت به معنای خوشنود بودن است و اگر کار یا سخنی سازگار با خواسته و موردپسند ما باشد، از آن به رضایت تعبیر می‌کنیم (معین، ۱۳۷۱، ۸۴۵). مقصود از رضایت خدا نیز راضی بودن به نعمات، خواسته‌ها و افعال اوست. خداوند، خود نیز از انسان خواسته است که راضی به رضای او باشد، همان‌طور که در این حدیث، امام علی (ع) می‌فرماید: «أَوْحَى اللَّهُ إِلَى دَاوُودَ: يَا دَاوُودُ! تُرِيدُ وَ أُرِيدُ وَ لَا يَكُونُ إِلَّا مَا أُرِيدُ، فَإِنِ اسْلَمْتَ لِمَا أُرِيدُ أُعْطَيْتُكَ مَا تُرِيدُ وَ إِنِ لَمْ تُسَلِّمْ لِمَا أُرِيدُ أَتَعْبَتُكَ فِيمَا تُرِيدُ وَ لَا يَكُونُ إِلَّا مَا أُرِيدُ» (ابن‌بابویه، ۱۴۱۶، ص ۳۳۷)؛ «خداوند متعال به حضرت داود وحی کرد: ای داود! تو می‌خواهی، من هم می‌خواهم؛ اما جز آنچه من می‌خواهم، نمی‌شود؛ پس اگر تسلیم آنچه من می‌خواهم بشوی، آنچه را هم تو می‌خواهی عطایت می‌کنم؛ اما اگر تسلیم آنچه من می‌خواهم نشوی، در آنچه خودت می‌خواهی، تو را به رنج می‌افکنم و جز آنچه هم که من بخواهم، نخواهد شد.»

البته زمانی انسان قلباً می‌تواند راضی به رضای دیگری باشد و خواسته‌ی دیگری را بر خواسته‌ی خود ترجیح دهد که عمیقاً او را دوست بدارد و عاشق او باشد؛ همچنین قرآن از گروهی که تنها درصدد جلب خشنودی خدا هستند، به نیکی یاد کرده است: «وَ مِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَ اللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ» (بقره: ۱۲۷)؛ «برخی از مردم جان خود را به خاطر خشنودی خدا

می‌فروشد و خداوند نسبت به بندگان مهربان است.» بر اساس روایات، این آیه در لیلۃ المبیت و در شأن امیرالمؤمنین (ع) نازل شده است؛ هنگامی که آن حضرت به امر رسول خدا (ص) در بستر ایشان خوابید تا از توطئه‌ی مشرکان که قصد کشتنش را داشتند، در امان بماند. همین‌طور که می‌بینید، در اینجا هم امام علی (ع) که از عاشقان واقعی خداوند است، در راه رضای خداوند حاضر به فدای جان خویش است.

درباره‌ی والدین نیز این مسئله صادق است. امام سجاد (ع) از خدا می‌خواهد که خواست و رضایت والدین را بر خواست و رضایت خویش ترجیح دهد و این امر تنها زمانی ممکن است که فرزند عاشقانه والدینش را دوست داشته باشد و یا چون خدا را دوست دارد و می‌داند رضای خداوند در تسلیم رضای والدین بودن است، خواسته‌ی آنان را بر خواسته‌ی خود ترجیح دهد (۳۳۷، ۳۳۸).

فرزند باید با صدای آرام و آهنگی ملایم با پدر و مادر خود سخن بگوید و با آنان به بانگ بلند سخن نگوید، چنانکه لقمان به فرزندش توصیه می‌کند: «... وَأَغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ» (لقمان: ۱۹)؛ «و صدایت را آهسته ساز که بدترین آوازه‌ها بانگ خران است.»

صدای آهسته نشانه‌ی تواضع و فروتنی در برابر مخاطب است، همان‌طور که خداوند از مسلمانان می‌خواهد در برابر پیامبرش متواضع و فروتن باشند و مؤدبانانه رفتار کنند و یکی از نشانه‌های ادب و تواضع را آهستگی صدا می‌داند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ \* إِنَّ الَّذِينَ يَغُضُّونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَى لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ» (حجرات: ۲-۳)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! صدای خود را از صدای پیامبر بلندتر نکنید و با او به صدای بلند سخن مگویید، همچنان که با یکدیگر بلند سخن می‌گویید، مبدا بی‌آنکه بدانید اعمالتان تباه شود. کسانی که در حضور پیامبر خدا صدایشان را پایین می‌آورند، همانان‌اند که خدا دل‌هایشان را به پرهیزگاری آزموده و آنان را آمرزشی و اجر بزرگ است.»

همچنین خداوند بلند کردن صدا را نشانه‌ی دشمنی می‌داند، چنانکه پیامبر (ص) می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ الصَّوْتِ الْخَفِيفِ وَيَغْضُ الصَّوْتِ الرَّفِيعِ» (شهید ثانی، ۱۴۰۹، ص ۲۱۳)؛ «خداوند صدای آهسته را دوست دارد و صدای بلند را دشمن می‌دارد.» به همین سبب، خداوند از فرزندان می‌خواهد تا با والدین خویش با صدای آرام صحبت کنند (۳۴۲، ۳۶۹).

هنگامی که به این بخش از دعای امام سجاد (ع) می‌رسیم، «أَسْتَكَثِّرُ بِرَهْمًا بِي وَإِنْ قَلَّ»، دو جمله از دعای مکارم الاخلاق به ذهن تبادر می‌کند. امام (ع) در این دو قطعه دعا، به پیشگاه خدا عرض می‌کند: «بارالها! موفقم بدار تا کارهای خوبی را که قولاً و عملاً انجام می‌دهم، کم بشمرم، هرچند بسیار باشد و بدی‌هایی را که با زبان و عمل از من صادر می‌شود، بزرگ بشمرم، هرچند ناچیز باشد.» همان‌طور که انسان باید طاعت بسیار خود را برای خداوند اندک و گناهان خود را بسیار بزرگ بشمارد، همین دیدگاه را باید در ارتباط با والدین داشته باشد. مردی اعرابی از امام علی (ع) پرسید: درجات محبین چیست؟ حضرت فرمودند: «سَأَلَ أَعْرَابِيٌّ عَلِيًّا (ع) عَنْ دَرَجَاتِ الْمُحِبِّينَ

مَا هِيَ قَالَتْ: أَدْنَى دَرَجَاتِهِمْ مَنِ اسْتَضَعَرَ طَاعَتَهُ وَ اسْتَعْظَمَ ذَنْبَهُ وَ هُوَ يَظُنُّ أَنْ لَيْسَ فِي الدَّارَيْنِ مَأْخُودٌ غَيْرُهُ فَعَشِيَ عَلَى الْأَعْرَابِيِّ فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ هَلْ دَرَجَةٌ أَعْلَى مِنْهَا قَالَ نَعَمْ سَبْعُونَ دَرَجَةً» (نوری، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۱۳۳)؛ «پایین‌ترین درجه برای کسی است که طاعت خود را کوچک تلقی کند و معصیت خود را بزرگ ببیند و چنین گمان داشته باشد که در دنیا و آخرت هیچ‌کس جز او مورد مؤاخذه‌ی حضرت باری تعالی نیست. مرد اعرابی از شنیدن این کلام بی‌هوش شد. چون به هوش آمد، از حضرت پرسید: آیا درجه‌ای از این بالاتر هم وجود دارد؟ فرمود بلی، هفتاد درجه.» اگر انسان طاعت خود را در برابر خداوند بزرگ و بسیار بشمارد، مغرور می‌شود و در این صورت، از عبادت بیشتر سر باز می‌زند؛ اما هنگامی‌که به عبادت پیامبران، ائمه و اولیای خدا نظر می‌کند، به ناچیز بودن عبادت خود پی می‌برد؛ اما درباره‌ی گناهان توصیه عکس شده است، به این صورت که امام علی (ع) می‌فرماید: «أَشَدُّ الذُّنُوبِ مَا اسْتَحَفَّ بِهَا صَاحِبُهُ» (نهج البلاغه، حکمت ۴۷۷)؛ «سخت‌ترین گناهان، گناهی است که گناهکار آن را سبک بشمارد.»

اگر فرد درباره‌ی والدین هم این دیدگاه را داشته باشد؛ یعنی احسان خود به آنان را کوچک‌تر از لطف آنان به خود بشمارد، خود را مدیون آنان می‌داند و بیش‌ازپیش تشویق می‌شود که به آنان احسان بیشتری کند؛ اما اگر لطف خود را نسبت به آنان بزرگ بشمارد، طلبکار خواهد شد و از لطف بیشتر دریغ می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ص ۳۵۵).

درست است که خداوند به عدل دستور می‌دهد و رفتار عادلانه را می‌پسندد؛ اما نمی‌توان در همه‌ی روابط انسانی عادلانه رفتار کرد؛ زیرا این‌گونه گذشت و دوستی و مهربانی جای خود را به کینه و دشمنی می‌دهد و قصاص بدی، بدی‌های بیشتر را به دنبال خود دارد؛ برای همین است که خداوند حتی هنگامی‌که قصاص را در برابر بدی برای انسان حلال می‌کند، توصیه به گذشت دارد: «وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ» (شوری: ۴۰)؛ «پاداش بدی [چون قتل و زخم زدن و اتلاف مال] مانند همان بدی است؛ اما هر که بگذرد و [میان خود و طرف مقابلش را] اصلاح نماید، پاداشش بر عهده‌ی خداست. یقیناً خدا ستمکاران را دوست ندارد.»

#### ۴-۵- عمل به دانسته‌ها برای خدمت فرزندان به والدین

علم‌آموزی لازم است؛ اما کافی نیست و حتماً باید به علم و دانش خود عمل کنیم. کسب دانش هنگامی مفید است که به آن عمل شود. در قرآن هم ایمان و علم زیربنای عمل صالح است و کیفیت حیات آخرت انسان معلول عمل انسان در دنیا است. تا زمانی که به علم خود عمل نکنیم، این علم بدون کارایی و بی‌فایده است. امام سجاد (ع) در بخش دیگری از دعاهای خود می‌فرماید: «ثُمَّ اسْتَعْمَلْنِي مِمَّا تَلَهْمُنِي مِنْهُ وَ وَقَفَّنِي لِلنُّفُودِ فِيمَا تَبَصَّرْتَنِي مِنْ عِلْمِهِ»؛ توفیق عمل به علم الهام‌شده را عطا کند؛ زیرا عالم بی‌عمل مانند زنبور بی‌عسل است و امام لزوم همراهی علم و عمل را در این بخش از دعا بیان می‌کند. برای اثبات این سخن، به این آیه از قرآن استناد می‌کنیم که می‌فرماید: «مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا

بُسَسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» (جمعه: ۵)؛ «وصف کسانی که عمل کردن به تورات به آنان تکلیف شده است، آنگاه به آن عمل نکردند، مانند درازگوشی است که کتاب‌هایی را [که هیچ آگاهی به محتویات آنها ندارد] حمل می‌کند. چه بد است سرگذشت مردمی که آیات خدا را تکذیب کردند؛ و خدا مردم ستمکار را هدایت نمی‌کند.»

امام علی (ع) می‌فرماید: «الْعِلْمُ مَقْرُونٌ بِالْعَمَلِ، فَمَنْ عَلِمَ عَمَلًا؛ وَ الْعِلْمُ يَهْتَفُ بِالْعَمَلِ، فَإِنْ أَجَابَهُ، وَ إِلَّا ارْتَحَلَ عَنْهُ» (نهج البلاغه، حکمت ۳۶۶)؛ «علم و عمل پیوندی نزدیک دارند و کسی که دانست، باید به آن عمل کند؛ زیرا علم عمل را فرا خواند، اگر پاسخ داد، می‌ماند وگرنه کوچ می‌کند.» همچنین در جایی دیگر می‌فرماید: «لَا تَجْعَلُوا عِلْمَكُمْ جَهْلًا، وَ يَقِينَكُمْ شَكًّا؛ إِذَا عَلِمْتُمْ فَأَعْمَلُوا وَ إِذَا تَيَقَّنْتُمْ فَأَقْدِمُوا» (همان، حکمت ۲۷۴)؛ «علم خود را نادانی و یقین خود را شک و تردید مپندارید؛ پس هرگاه دانستید، عمل کنید و چون به یقین رسیدید، اقدام کنید.»

باید به علم خود به‌طور کامل عمل کنیم و این‌گونه نباشد که به بخشی از آن عمل نماییم و بخشی را فروگذاریم. فرزندان باید به آیات و روایاتی که دانشی درباره‌ی احسان به والدین به آنان می‌دهند، عمل کنند و نگذارند چیزی از این واقعیت‌ها از دستشان برود (انصاریان، ۱۳۹۱، ج ۹، ص ۲۶۵).

در اینجا، امام معصوم از خدا درخواست کرده است که هرگز در راه این وظیفه‌ی مهم، یعنی ادای حقوق والدین، سستی بر او عارض نشود که قهراً دانش را بی‌اثر می‌کند و از خداوند می‌خواهد اعضای وجود او را نسبت به آنچه به او آموخته است، سست و کاهل نکند. «حفوف» در کلام امام (ع) همان توان پی‌جویی و اتمام وظیفه است که موردی بسیار ضروری است و ادای حقوق والدین که باعث جلب رحمت و غفران الهی و دوری از عقوبت والدین می‌گردد، نیازمند برخورداری از روحیه‌ی والای کاری و همت و پشتکار است که امام (ع) در این فرارز، از خداوند درخواست کرده است (ممدوحی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۳۹۲).

با توجه به این بخش از دعا که می‌فرماید: «وَ أَحْفَظْ لَهُمَا مَا حَفِظَاهُ مِنِّي فِي صَغَرِي» برای توضیح زحمات والدین می‌توان به این آیه استناد کرد: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً» (احقاف: ۱۵)؛ «انسان را درباره‌ی پدر و مادرش به نیکی سفارش کردیم. مادرش او را با تحمل رنج و زحمت باردار شد و با رنج و زحمت او را زایید و دوران بارداری و بازگرفتنش از شیر سی ماه است تا زمانی که به رشد و نیرومندی خود و به چهل سالگی برسد.»

در این فرارز از دعا جالب است که در دعایی برای پدر و مادر کمیت و کیفیت و مقدار زحمت‌های آنها را بیان نکرده است؛ زیرا قابل بیان نیست و تنها به‌طور مختصر فرموده است: «خدایا همچنان که آنان در حفظ من کوشیدند، تو نیز همان‌گونه آنان را در پناه کرامت خود نگاه دار.» محبت پدر و مادر به فرزندان آن‌چنان طبیعی و قوی است که پیوسته شارع مقدس خودباختگی پدران و مادران در مقابل فرزندان را به آن دو هشدار می‌دهد که مبدا خود را فراموش و سعادت خود را تباه کنید و از حدود لازم خارج شوید و همه‌ی وجود خود را به مطالبات

فرزندان اختصاص دهید و از خدا غافل گردید (ممدوحی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۳۹۷). قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ» (انفال: ۲۸).

همچنین با توجه به این بخش از دعای امام سجاد<sup>(ع)</sup> که می‌فرماید: «وَلَا تَجْعَلْنِي فِي أَهْلِ الْعُقُوقِ لِلْآبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ يَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يظَلْمُونَ»، متوجه می‌شویم ایشان از خداوند درخواست می‌کند که در زمره‌ی کسانی قرار ندهد که به پدر و مادر آزار می‌رسانند و آنان را نافرمانی می‌کنند و در واقع، عاق والدین می‌شوند. امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> از رسول خدا<sup>(ص)</sup> چنین نقل می‌کند: «ثَلَاثَةٌ مِنَ الذُّنُوبِ تُعَجِّلُ عِقُوبَتَهَا وَ لَا تُؤَخَّرُ إِلَى الْآخِرَةِ: عُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ، وَ الْبَغْيُ عَلَى النَّاسِ، وَ كَفْرُ الْأَخْسَانِ» (مجلسی، ۱۳۱۵، ج ۷۰، ص ۳۷۳)؛ «سه گناه است که عقوبت آن بی‌درنگ انجام می‌شود و مجازات آن به قیامت موکول نمی‌گردد: سرکشی و آزار به پدر و مادر، ستم به مردم و کفران نیکی و احسان دیگری.»

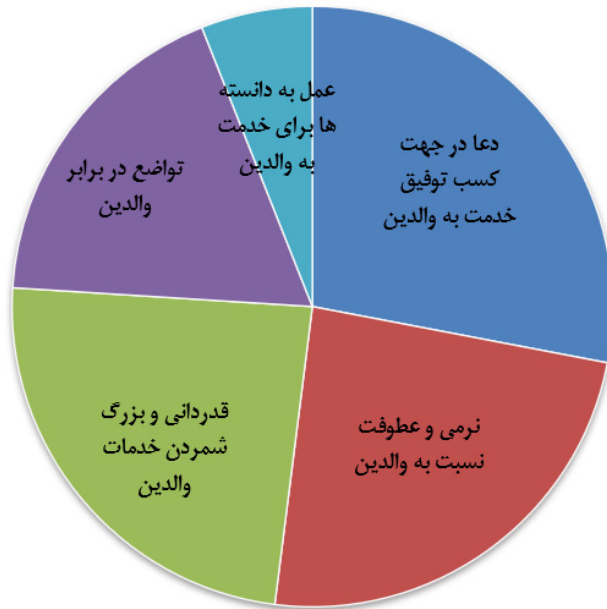
باید توجه داشت که عاق والدین یکی از گناهان کبیره است و اگر فرزندی عاق والدین شود، تا زمانی که رضایت و محبت آنان را فراهم نکند، در دنیا گرفتار فقر و دردهای رنج‌آور می‌گردد و در قیامت سرنوشت بدی در انتظار او خواهد بود (انصاریان، ۱۳۹۱، ج ۹، ص ۲۷۶).

## ۶- نتایج تحقیق

در این پژوهش تلاش شده است تا راهکارهای بهبود روابط فرزندان با والدین مبتنی بر تحلیل محتوای آموزه‌های صحیفه‌ی سجادیه استخراج شود. مهم‌ترین نتایج این تحقیق که با استفاده از روش تحلیل محتوای مقوله‌ای انجام شده، نشان‌دهنده‌ی آن است که بیشترین تأکید امام سجاد<sup>(ع)</sup> در دعا‌های صحیفه‌ی سجادیه بر موضوع تربیت در خانواده است و مهم‌ترین بستر و زمینه‌ساز شکل‌گیری ساختار انسان را در خانه و خانواده معرفی می‌کند. در این میان، مهم‌ترین موضوعاتی که در دعا‌های امام سجاد به‌عنوان راهکارهای بهبود روابط فرزندان با والدین مطرح شده، بدین شرح است:

- دعا برای کسب توفیق خدمت فرزندان به والدین
- مهرورزی فرزندان به والدین
- تشکر و قدردانی فرزندان از والدین
- تواضع فرزندان در برابر والدین
- عمل به دانسته‌ها برای خدمت فرزندان به والدین

در ادامه، نمودار سنجش فراوانی و اهمیت راهکارهای بهبود روابط فرزند با والدین از دیدگاه امام سجاد<sup>(ع)</sup> آورده شده است.



نمودار شماره ۱. راهکارهای بهبود روابط فرزند با والدین از دیدگاه امام سجاد<sup>(ع)</sup>

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، بیشترین تأکید دعا‌های امام سجاد روی موضوع «دعا برای کسب توفیق خدمت به والدین» است که نشان از اهمیت دعا برای توفیق عمل به وظایف دارد؛ بنابراین، انسان هراندازه هم نسبت به انجام وظایف خود اهتمام و آگاهی داشته باشد، نباید از امداد الهی غافل شود و در همه حال، باید خود را به خداوند بسپارد و از او کسب توفیق نماید. دومین مسئله‌ی پربسامد در میان فرمایش‌های حضرت، دو موضوع نرمی و عطف فرزند با والدین و قدردانی و بزرگ شمردن خدمات والدین است که هر دو به یک میزان در کلام حضرت مورد تأکید قرار گرفته است که نشان می‌دهد، پس از اینکه انسان همه‌ی توجه خود را به سوی باری تعالی معطوف کرد، مهم‌ترین اقدام وی برای خدمت به والدین، باید نرمی و عطف با ایشان و قدردانی و بزرگ شمردن خدمات والدین باشد.

## منابع

- قرآن کریم.
- صحیفه سجادیه.
- آرام، احمد؛ ترجمه‌ی الحیاة؛ قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۳ ش.
- ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین؛ عوالی اللئالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیة؛ قم: موسسه سید الشهدا، ۱۴۰۳ ق.
- ابن بابویه، محمد بن علی؛ الخصال المحموده و المذمومه؛ مصحح: علی اکبر غفاری؛ قم: جماعه المدرسین، ۱۴۱۶ ق.
- \_\_\_\_\_؛ التوحید؛ مصحح: هاشم حسینی طهرانی؛ قم: جماعه المدرسین، ۱۴۱۸ ق.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی؛ تحف العقول؛ مصحح: علی اکبر غفاری؛ تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ ش.
- ابوهلال عسکری، حسن بن عبدالله؛ معجم الفروق اللغویه؛ قم: موسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۲ ق.
- اربلی، محدث؛ کشف الغمة فی معرفة الأئمة؛ قم: نشر رضی، ۱۴۲۱ ق.
- ازهری، محمد بن احمد؛ تهذیب اللغة؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ ق.
- انصاریان، حسین؛ تفسیر و شرح صحیفه سجادیه؛ قم: دارالعرفان، ۱۳۹۱ ش.
- باردن، لورنس؛ تحلیل محتوا؛ ترجمه‌ی ملیحه آشتیانی و محمد یمنی دوزی سرخانی؛ تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۴ ش.
- پایبند، ابوالقاسم؛ نهج الفصاحه؛ تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۵ ش.
- پهلوان، منصور؛ «اسناد و مشایخ راویان صحیفه کامله»؛ علوم حدیث، شماره‌ی ۱۲، ۱۳۷۸ ش.
- جانی‌پور، محمد؛ «کارکردهای کیفی استفاده از روش تحلیل محتوا در فهم احادیث»؛ رهیافت‌هایی در علوم قرآن و حدیث، شماره‌ی ۴۹، ۱۳۹۶ ش.
- جعفریان، رسول؛ حیات فکری و سیاسی ائمه؛ قم: انصاریان، ۱۳۸۱ ش.
- حر عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعة؛ تهران: اسلامیه، ۱۳۶۷ ش.
- \_\_\_\_\_؛ الجواهر السنیة فی الاحادیث القدسیة؛ بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۲ ق.
- حسن‌زاده آملی، حسن؛ نور علی نور در ذکر و ذاکر و مذکور؛ قم: تشیع، ۱۳۸۲ ش.
- دیلمی، حسن بن محمد؛ اعلام الدین فی صفات المومنین؛ قم: موسسه آل‌البتیت، ۱۴۰۸ ق.
- رنجبر، محسن؛ بررسی نقش امام سجاد (ع) در رهبری شیعه پس از واقعه کربلا؛ قم: معارف، ۱۳۸۱ ش.
- شریف قرشی، باقر؛ تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه‌السلام؛ ترجمه‌ی محمدرضا عطائی؛ مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲ ش.
- طبرسی، حسن بن فضل؛ مکارم الاخلاق؛ قم: نشر الشریف رضی، ۱۳۷۰ ش.
- عترت دوست، محمد؛ «روش‌شناسی فهم حدیث در فرایند سه‌گانه‌ی تحلیل متن، تحلیل محتوا، تحلیل گفتمان»؛ حدیث پژوهی، سال ۱۱، شماره‌ی ۲۱، ۱۳۹۸ ش.
- عترت دوست، محمد؛ آشنایی با روش تحلیل محتوای نصوص دینی؛ تهران: دانشگاه تربیت دبیر

- شهید رجایی، ۱۴۰۱ ش.
- فراهیدی، خلیل‌بن‌احمد؛ کتاب العین؛ قم: هجرت، ۱۴۰۹ ق.
  - کلینی رازی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ مصحح: علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی؛ تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
  - کیوی، ریمون؛ کامپنهود، لوک وان؛ روش تحقیق در علوم اجتماعی؛ ترجمه‌ی عبدالحسین نیک‌گهر؛ تهران: نوتیا، ۱۳۸۱ ش.
  - مجد فقیهی، محمدعلی؛ آشنایی با صحیفه سجادیه؛ قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۵ ش.
  - محمدی مهر، غلام‌رضا؛ روش تحلیل محتوا (راهنمای عملی تحقیق)؛ تهران: گنجینه علوم انسانی دانش‌نگار، ۱۳۸۷ ش.
  - مشکینی، علی؛ المواعظ العددیه؛ تحقیق از سید مرتضی موسوی قافله‌باشی؛ قم: دارالحدیث، ۱۳۹۴ ش.
  - مطهری، مرتضی؛ سیری در سیره‌ی ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام؛ تهران: صدرا، ۱۳۸۳ ش.
  - ممدوحی، حسن؛ شهود و شناخت؛ قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۳ ش.

